



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۲۴



حامد ابراهیمی

شعری از خلیلی بزرگ

ادبیات

تلمیح در دیوان اشعار خلیل الله خلیلی



[hamedfalah's Official](#)

ادبیات فارسی، تلمیح در دیوان خلیل الله خلیلی، زندگی استاد خلیل الله خلیلی، شعری از خلیلی

قسمت دوم

مقدمه

به داغ نامرادی سوختم، ای اشک! طوفانی
به تنگ آمد دلم زین زندگی، ای مرگ جولانی

آن شراره عشقی که برق آن هزاران خورشید تابان را در این بحر بیکران افروخته و چراغ های ماه و انجم را در شبستان آسمان ادبیات روشن ساخته و آن شعله آسمان که صد هزاران خرمن گردون و قافله ادبیات را مجذوب خود ساخته و ادبا را در فضای بی انتهای عالم حیران و سرگردان می گرداند، دل های همه را در عین حیرت چنگ می زند، و به منزل مقصود رهنمایی میکند. و آن اشراق لاهوتی که سینه های خاصان را روشن تر از ماه گردانید که برق جهان سوز آن از کدام افق طلوع کرده است و چیست؟

او همان فرزند دوران پرتلهاب و پرحادثه، بزرگ مردی از شرق به نام استاد خلیلی است. این شاعر بزرگ فراهی را در دوران زندگی هشتاد ساله خود تجربه نمود که باعث رشد افکار و ماندگار شدن وی شده است. استاد خلیلی شاعری به انزوا خزیده و دور از سیاست و اجتماع نبود، و همیشه فردی بود در درون جامعه و مسلط بر اوضاع عصر و زمان خود. ایشان شاعری بوده است که به ادبیات جهان آشنایی کامل داشته است. (۴، ص ۲۵۲)



گفتم که وطن در اشعار استاد جایگاه خاص و والایی دارد اما بدون شک در اشعار استاد خلیلی پس از هجرت به پاکستان تغییری رو نما گردیده است.

بلی در اشعار استاد، نه در عشق استاد به وطن، زیرا وطن استاد، پس از لشکر کشی شوروی ها به کشور، دیگر آن کشور نماند، دیگر آن باغ و بوستان، آن یار و یاران، آن فضای طرب زا و روح افزا نماند، بلکه به جای لاله های سرخ در دشت و دمن کشور، قطره های خون دلیر مردان آزادیخواه برنشست و آن باغ و بوستان به آتشیانی مبدل گشت که دل استاد را آتش می زد، از اینجا است که در اشعار پس از هجرت استاد، سوز دیگر و حال دیگر می بینیم بازتاب دردها و رنج ها، آلام و مصائبی را می بینیم که قبل از ثور (۱۳۵۷) بر مردم تحمیل نگردیده بود از این جاست که استاد هنگامی که کشور زیبای خود را غرق در خون و آتش می بیند با شگفتی فریاد می کشد:

این خاکِ تر بخون شده ما تمسرای کیست
وین مرغ پر شکسته دل بینوای کیست
چون ازدهای گرسنه دژ های آهنین
بمب های مرگبار به صحن فضای کیست
فریاد خلق تا به فلک رفت و روز و شب
یکبار کس نگفت که آنجا صدای کیست

(۴، ص ۲۵۳)

آثار و تالیفات استاد خلیلی:

استاد خلیلی طبع بسیار جوشان و بدیهه سرا داشته است و حاصل آن این دیوانی است که ما بالای آن کار کردیم، و همچنان آثاری از استاد تنها این دیوان نیست. او شیفته مطالعه بود، و دل باخته تحقیق و تألیف، بسیاری از این تألیف ها به چاپ رسیده و آثاری هم هست که چاپ نشده برجای مانده است. این ها پژوهش های تاریخی و ادبی است و غالباً حول محور مفاخر و مراکز ادب در این سرزمین ها می چرخد. در کنار این پژوهش ها، چند داستان تاریخی هم از او برجای مانده است. فهرست تالیفات استاد خلیلی را، تا جایی که از منابع مختلف تفحص نمودم، در این جا نقل میکنم که بالغ به (۱۶۶) اثر گرانبها می رسد. و دانستن آن مقرون به صواب است. (۴، ص ۶۱)



❖ آرام گاه بابر:

این اثر را استاد خلیلی در باره زندگی بابر شاه نوشته است که چه کارکرد هایی داشته است، دوران حکومت ایشان و چه رویداد هایی در زندگی ایشان رخ داده، درج این اثر می باشد.

❖ احوال و آثار حکیم سنایی:

این اثری که استاد خلیلی در باره حکیم سنایی و جهان بینی او نگاشته است، دو دوره تحول زندگی سنایی را در آن بیان می کند. در این اثر گنجانیده شد که کدام اشخاص هم عصر حکیم سنایی بوده اند و در مرحله اول سنایی در دربار کدام پادشاه بوده است. و این که در آثاری که نوشته است بیشتر از کدام علما و ادیبان تأثیر پذیر بوده است.

❖ درباره گاه سعدی:

این اثر استاد خلیلی در سفری که در کشور ایران و در شهر شیراز داشته نوشته شده است. بیشتر در این کتاب استاد از دل تنگی خود و از بی وفایی زمانه شکایت نموده و یک قصیده مشهور هم در این باره دارد.

❖ بهشتی که در آتش سوخت:

در باره کشور افغانستان وطن خود استاد خلیلی، در این اثر خود آنچه که بر سر وطنش می آید شکایت دارد. و وطن خود را بهشتی خطاب می کند که در آتش نا امیدی و جنگ می سوزد.

❖ فیض قدس:

این اثر شرح احوال میرزا عبدالقادر بیدل است و در باره زندگی میرزا عبدالقادر بیدل و کارکردهای او و آثار او نگاشته شده است.

همچنان آثار دیگر استاد خلیلی عبارتند از:

سلطنت غزنویان، آثار هرات در سه جلد، ترجمه تفسیر قرآن کریم از زبان اردو، رساله یمگان که در باره آرامگاه ناصر خسرو است، نی نامه در شرح احوال مولانا، پیوند دل ها که شرح مسافرت خلیلی در ایران است، سرود شهیدان، شبهای آوارگی و چند اثر دیگر می باشد.

همچنان کلیات اشعار خلیلی به کوشش عبدالحی خراسانی و با مقدمه مسعود خلیلی فرزند شاعر، در تهران چاپ شده است و دیوان اشعار وی با مقدمه سرور مولایی و با نوشته های جمعی از استادان ادب فارسی، به چاپ رسیده است. (۴، ص ۶۲)

نیم نگاهی به دیوان استاد خلیلی

چنانکه ما جست و جو نمودیم دیوان کاملی از اشعار استاد خلیلی به چاپ نرسیده است و هر دیوانی که تا اکنون به چاپ رسیده است، هر کدام از جهتی کم و کاستی های خود را دارد. و دیوانی که هم اکنون ما به عنوان مواد تحقیقی خود از آن استفاده می کنیم، به کوشش محمد کاظم کاظمی تدوین شده است.

اشعار این دیوان با عنوان های خاص تدوین شده است؛ به این ترتیب: (۴، ص ۶۹)

بخش اول شامل قصیده، بخش دوم غزل، بخش سوم قطعه ها، بخش چهارم رباعی ها، بخش پنجم دوبیتی ها، بخش ششم مسمط ها و مستزادها، بخش هفتم مثنوی ها، بخش هشتم مثنوی امواج نیلاب، بخش نهم چارپاره ها،

بخش دهم ترکیببات و بخش یازده هم منظومه شب های آوارگی و بخش دوازده هم منظومه ای در سایه های خیبر است که به همین ترتیب کاظمی آن را گنج‌انیده است. (۹، ص ۶۹)

از نظر نوشتاری، کاظمی سعی زیاد نموده است که کلمات و اشعار استاد را که دارای عیب و نقص در اثرهای گذشته بوده است تصحیح نماید. ولی خودش در پایان اعتراف نموده است که نتوانسته است آنچه که مورد نظرش بوده بتواند، این دیوان را آن طور تنظیم نماید. و می گوید که من این دیوان را به تأثیر از محمد هاشم که یکی از دوستان پدرم بوده نوشته ام.

وی علاوه می کند که محمد هاشم در باره استاد خلیلی معلومات زیادی داشت، و یک دیوان از خلیلی هم در کتاب خانه اش موجود بود که در وقت وفات از ایشان به جای مانده بود ولی دیوانی که به جا مانده بود ناقص بود و بسیاری از اشعار در این دیوان جا به جا نوشته شده بود که من کوشش کردم این دیوان تصحیح شود.

نگاهی به آرایه ادبی تلمیح

تعریف: یکی از صناعات و محسنات لفظی علم بدیع است که در لغت تلمیح از کلمه ملح به معنای نمکی ساختن گرفته شده، و در اصطلاح به کدام قصه مشهور یا چیزیکه در کتب دارای شهرتی باشد و یا به مضمون آیه، حدیث، داستان یا مثلی مشهور اشاره شود. (۲، ص ۱۲۱)

از نظر جرمانی: اشاره کردن به قصه یا شعر در حیطه کلام بدون تصریح است.

از نظر بلغاء: عبارت است از اینکه در اثنای سخن به سوی افسانه ای یا شعری یا مثلی اشارتی رود، بی آنکه از کیفیات مشارالیه ذکری به میان آید. (۲، ص ۱۸۰)

تلمیح: آن است که الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کند، که نزد بلغاء پسندیده تر از اطناب است. (۲، ص ۸۲)

تلمیح: آن است که متکلم چه در نظم و یا در نثر، اشاره نماید به قصه مشهور یا هر چیزی که در کتب و یا نزد اهل علم و دانش صفتی از صفات مشهور باشد، و یا مثلی مشهور به طوری که معنای مقصود را قوت دهد. (۳، ص ۴۱)

تلمیح: در لغت به معنی اشاره کردن به چیزی و در اصطلاح بدیع آنست که در نظم یا نثر به مضمون آیه، حدیث، داستان و یا مثلی مشهور اشاره شود. (۱۱، ص ۵۲)

تلمیح: برای نخستین بار در ادب فارسی در کتاب ترجمان البلاغه آمده است که علما بعد از آن با این آرایه ادبی آشنا شدند (۶، ص ۲۱)

از نظر علمای علم ادب، صنعت تلمیح یکی از شیرین ترین صنایع علم بدیع است که شاعران برای زیبایی در اشعار خود از آن استفاده می کنند، تا باشد که ادبیات شاعر در نزد خواننده جالب تمام شود. هر شاعری که بتواند به طور استادانه از این صنعت در شعر خود استفاده کند می تواند که در یک بیت معنای زیادی را به سمع شنونده خود برساند. اکثر علما می گویند که تلمیحی که شاعران در شعر خود از آن استفاده می کنند، باید داستان آن حد اقل حدود ۵۰ سال

قدمات داشته باشد. ولی بعضی از علمای علم ادب می گویند در تلمیح باید یک قصه مشهور باشد که به آن اشاره شود. ولی اکثر داستان هایی که در آن، آرایه ادبی تلمیح استفاده شده است داستان هایی از قران کریم است. (۶، ص ۸۱)

تلمیح در دیوان اشعار خلیلی

ما در این دیوان اشعاری را جست و جو نمودیم که دارای آرایه ادبی تلمیح بوده است. این آرایه ها را در دوازده بخش مورد جست و جو قرار داده ایم، که امید است آنچه که ما بیان می داریم مورد توجه واقع شود.

اشعاری را که به یک داستان اشاره کرده است، تحت هم قرار داده ایم که اول علت بیان آن داستان را شرح می دهیم، و بعد از آن اشعاری که در این دوازده بخش که در دیوان موجود است، آن ها را جمع آوری نموده و بیان می نمائیم. در دیوان استاد خلیلی بیشتر آن داستان های بیان شده است که ریشه در قران کریم دارند. (۴، ص ۵۸)

استاد خلیلی وقتی یک تلمیح را در شعر خود بیان می دارد، سعی زیاد بر آن دارد که قهرمان شعر خود را به آن صورت نمایش دهد که این کار تازه استاد باعث زیبایی این صنعت در اشعارش شده است.

حضرت آدم (ع)

خطای آدم و حوا همی شود تکرار

به خانواده شان از فریب اهریمن

(۴، ص ۱۴۶)

توضیح:

آدم علیه السلام بابای همه انسان ها یعنی اولین بشر یا ابوالبشر بوده که ۹۳۰ سال این پیامبر بزرگوار عمر داشته است. بعد از این عمر گران بها، قبر او در جبل ابوقیس است. و بعضی می گویند ایشان در نجف دفن گردیده اند. باید علاوه کرد نخستین مادر همه انسان ها یعنی اولین زن یا ام البشر، بی بی حوا بوده که بعد از فوت آدم "ع" وفات نموده و قبرش در جبل ابوقیس است. (۳، ص ۶۰)

شرح داستان:

آورده اند که حضرت آدم صلی الله در روز ازل خواست که در خلوتخانه شهود شراب وصال نوش کند، و هر چه ماسوای محبوب است به کلی فراموش کند. و به استناد آیه ۱۲ المؤمنین که چنین آمده: **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ.** (۱، ص ۲۸۹)

ترجمه: و به تحقیق که ما انسان را از عصاره و چکیده ای از گلی تیره پدید آوردیم.

در مورد درختی که آدم (ع) از آن منع شده بود مفسرین اختلاف نظر دارند، بعضی ها میگویند که کافور بوده، بعضی ها میگویند آن درخت انار بوده و عده ای میگویند که یا انجیر بوده و یا هم گندم، که باعث بیرون شدن آن دو از بهشت برین شده است.

استاد خلیلی علاوه بر بیت فوق، چیزی دیگر هم در این رابطه دارد که بیان می کنیم. حضرت آدم جناب بوالبشر آن بصیر از رازهای خیر و شر (۴، ص ۶۱۱) گل آدم چو سر شستند، منادی دادند:

سر به پایش بگذارید که مهمان غم است

(۴، ص ۶۱۲)

داد فردوس برین را، غم خرید

ای خوش آن سرمایه که آدم خرید

(۴، ص ۶۱۱)

که چو آدم به عقد حوا شد

بزم سور و سرور بر پا شد

(۴، ص ۶۵۱)

آدم از جای رفته باز آمد

سوی آن یار دل نواز آمد

(۴، ص ۶۵۱)

چون خدا آدم خاکی به خلافت بگزید

وز گلستان بهشتش به یکی دانه کشید

(۴، ص ۴۹۸)

خطای فاحش اولاد آدم است همین

که فرق می نکند دوست را وی از دشمن

(۴، ص ۱۴۴)

پایان قسمت دوم

ادامه دارد

